

# مصاحبه با نوآم چامسکی

مترجم: پرنیان

توضیح مترجم: متن زیر مصاحبه‌ایی است با نوآم چامسکی که در شهر گوتنبرگ سوئد انجام گرفته است. وی به مناسبت نمایشگاه جهانی کتاب گوتنبرگ در این شهر حضور داشت.

او در جهان به عنوان کسی که بیشترین نقل قول، از او به‌عمل آمده مشهور است. خود وی تردید دارد که این به حقیقت نزدیک باشد؛ اگر این‌طور می‌بود به‌رحال بایستی بی‌معنی باشد. تصور کن که مارکس، لنین، مائو و کاسترو در پانویس‌های ادبیات غرب به‌درجات بالا ذکر شده‌اند.

عالم زبان‌شناس، تحلیل‌گر رسانه‌های گروهی، منتقد ایالات متحده آمریکا، نوآم چامسکی، درباره‌ی مردی صحبت می‌کنیم که در سال‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ در علم زبان‌شناسی به‌سرعت پله‌های ترقی را طی کرد و بعداً یکی از شاخص‌ترین و فعال‌ترین مخالفین سیاست جنگ‌افروزان آمریکا در ویتنام شد.

وی می‌گوید که رسانه‌های گروهی به‌جای روشنگری، تبلیغات و شستشوی مغزی انجام می‌دهند.

در ۱۰-۱۵ سال اخیر به اطراف و اکناف جهان مسافرت کرده و سخنرانی‌هایی در مورد سیاست خارجی آمریکا، عراق، نقش توافقی رسانه‌ها و مسئولیت روشنفکران داشته است.

## کلیسا و آدم‌های مریخی

درباره‌ی مؤسسه‌ای دوره‌گرد صحبت می‌کنیم. مؤسسه‌ای که مرتباً تعداد زیادی به‌طرف آن می‌روند، چون که با گذر سال‌ها نقش آمریکا در سیاست جهان کمتر نشده و همین‌طور انتقاد هم فروکش نکرده است.

— امروزه بدون شک ایالات متحده آمریکا بنیادگراترین کشور جهان است. این نظر من نیست، یک حقیقت است. ما در مورد کشوری صحبت می‌کنیم که بیش از ۵۰ درصد مردم آن تصور می‌کنند عمر جهان ۶۰۰۰ سال است، جایی که ۵۰ درصد به آدم‌های مریخی اعتقاد دارند. وضعیت در عراق این‌قدر وخیم نیست.

— یا وزیر دادگستری جان اشکرافت را ببینید. او در وزارت‌خانه خود وقتی برای دعا (نماز) گذاشته است. از آنجایی که او (اشکرافت) آوازهای مذهبی می‌نویسد، حتی وقت آواز (مذهبی) گذاشته است.

از نظر تاریخی همراه با صنعتی شدن یک جامعه، دمکراسی هم‌پای آن می‌آید. اما این شکل در آمریکا اصلاً اتفاق نیفتاد.

او تصریح می‌کند که آمریکا شاید آزادترین کشوری است که جهان بخود دیده است، اما این کشور یک جامعه متمیزه شده هم است. مردمش دیگر به دمکراسی اعتقاد ندارند. کلیسا تنها مؤسسه‌ی اجتماعی است که مردم را به هم پیوند می‌دهد.

## تبلیغات

گرچه نوآم چامسکی در جهان معروف است و پروفیسوری است که مؤسسات زیادی از او برای تدریس دعوت به عمل می‌آورند. ولی در روزنامه‌های آمریکایی جدی گرفته نمی‌شود. در آنجا با بهترین مقالات و پر فروش‌ترین کتاب‌های او مثل مقالات در دسرآور در ردیف نامه به پاپ برای دعوت به صرف چای در خانه، برخورد می‌شود. خودش معتقد است که این تاییدی است بر انتقاد او به رسانه‌ها.

در مدل تبلیغاتی که او به همراه ادوارد س. هرمان (Edvard S. Herman) در کتاب (Manufacturing consent 1998) بسط داده است، معتقدند که کار رسانه‌ها عبارت است از تمرین دادن دانش مردم به اعتقاد به حکومت، به نظم اجتماعی، اقتصادی و سیاسی. حوزه رسانه‌ها مملو از عوامل وزین تجاری است که مثل بقیه صنایع از نیاز به سود اداره می‌شود. اعتقاد به این‌که آن‌ها بخواهند بر علیه منافع عینی خود تلاش کنند ایده‌آلیسم رمانتیک خواهد بود.

آنجایی که حکومت و علاقه‌مندان بزرگ سرمایه از ژورنالیسم انتقادی استفاده می‌برند، گزارش‌های بزرگ انتقادی ساخته می‌شود. آنجایی که ایالات متحده آمریکا از نامرئی بودن سود می‌برد، رسانه‌ها ساکت می‌مانند.

— سیستم تبلیغات در دولت‌های دمکراسی غربی بهتر از دولت‌های توتالیتر عمل می‌کند. در اتحاد شوروی مثلاً همه می‌دانستند که اطلاعاتی که یک نفر از رسانه دولتی دریافت می‌کرد دست‌کاری شده و دروغ بود اما سیستم تبلیغاتی غرب پیچیده‌تر و گمراه‌کننده است.

— مثلاً در نظر بگیریید شیوه‌ای را که ما درباره جنگ آینده با عراق صحبت می‌کنیم. صحبت کردن درباره این‌که ما یک «دعوا» با آن‌ها داریم در اصل خودش تبلیغات است. ده سال است که آمریکا این کشور را بمباران می‌کند. من تصور می‌کنم که: بازها؛ در واشنگتن حق دارند که می‌گویند کشور عراق مثل یک خانه است که با ورق ساخته شده، همین‌که آمریکا واقعا به این کشور یورش ببرد فرو خواهد ریخت. کشور داغان شده است و به زحمت طرفی را که با آمریکا «دعوا» دارد، نمایندگی می‌کند.

چامسکی با آن‌هایی که معتقدند قبلاً زمان جنگ ویتنام مخالفت بر علیه جنگ، زیادتر بوده موافق نیست.

— من اتفاقاً عکس قضیه را می‌بینم. در سال ۱۹۶۵ وقتی که ایالات متحده آمریکا جنگ افروزی خود در ویتنام را تشدید کرده بود، مقاومت علیه جنگ اصلاً چیزی نبود. درباره آن نه در اروپا صحبت بود و نه در ایالات متحده آمریکا.

۱۹۶۵ سالی بود که چامسکی خودش به فعالیت سیاسی روی آورد. او اظهار کرده است که کسانی که خود را خیلی دیر به چیزی مشغول کردند هیچ دلیلی ندارند که به خود مغرور باشند.

— امروز قبل از این‌که جنگ شروع گردد حقیقتاً مقاومت شدید مردمی علیه جنگ وجود دارد. جهان متمدن‌تر شده است. این البته شامل روشنفکران نمی‌گردد. آن‌ها طبق معمول با منطق سالم هماهنگ نیستند.

## امید می‌دهد

مثل بسیاری از منتقدان در آمریکا، چامسکی در یک محیط مهاجری رشد کرد. او از محیط رشد خود به‌عنوان «یک فرهنگ روشنفکری زنده» یاد می‌کند که غالب آن‌ها از روشنفکران

رادیکال یهودی نیویورک بودند. محل آموزش سیاسی او کیوسک روزنامه فروشی عمومی او در نیویورک بود که به عنوان محل تجمع برای پناهندگان سیاسی و کسانی که به نوعی دیگر فکر می کردند در آمده بود. او می گوید: من هیچ جا و هرگز به روشنفکرانی برخورد نکرده ام که مثل آنها نظرات خود را مستقیم و رک بیان کرده باشند. از طرف دیگر معلمین و اساتید زیادی در مشهورترین دانشگاه ها وجود دارند که خیلی راحت می توان جای آنها را با دفترداران تحصیل کرده عوض کرد.

اما آیا دنیای دیگری کماکان ممکن است؟ چامسکی می گوید:

— من در ماساچوست بزرگ شدم. یکصد سال پیش یک فرهنگ کارگری زنده در آنجا وجود داشت. در آنجا در باره این که یک دنیای دیگر ممکن بود صحبت می کردند. آنها مارکس را مطالعه نکرده بودند، اما کارمزدی را مثل برده داری می دیدند و معتقد بودند که طبیعی بود که دمکراسی صنعتی را بطلبند.

او تعریف می کند که در فرصت های مکرر برای چک کردن درباره این که یک آمریکایی معمولی تصور می کند که چه چیزی در قانون اساسی آمریکا وجود دارد، تحقیقاتی انجام داده است.

— آیا می دانی که خیلی از آمریکائی ها در باره یک چیز مسلم موجود در قانون اساسی آمریکا چه پاسخی دادند؟

— نه

— از هر کس به اندازه استعدادش و به هر کس به اندازه نیازش! و می خندد.

اگر از مردم سؤال کنی که آنها چه چیزی را بعنوان منطق معمولی می فهمند، جواب شان بسیار منطقی است. آنها به همان چیزی معتقدند که کارگران یکصد سال پیش معتقد بودند.

— قطعاً یک دنیای دیگر ممکن است. چه چیز دیگری را ما باید باور داشته باشیم، چامسکی این را با یک لبخند می گوید.

Dialog

Postamt 1 / Postlagernd

04109 Leipzig / Germany

## گفتگوهای زندان ویژه اینترنت

Email: dialogt@web.de

Internet: <http://www.dialogt.net>